



# هوا، آب و نان

## سه ماده اساسی برای ادامه حیات انسان

دکتر محمدرضا توکلی صابری

که در کشورهایمانند آمریکا ۰/۸ درصد، سوئد ۰/۴ درصد و انگلستان ۰/۱ درصد بوده است. به همین دلیل، اکنون ۵۰ درصد جمعیت ایران زیر ۳۰ سال است. به علت این رشد زیاد، جمعیت ایران طی بیست سال دو برابر شده، یعنی از ۲۱ میلیون نفر در سال ۱۳۴۷ به ۵۵ میلیون در سال ۱۳۶۷ رسیده است. آمار نشان می‌دهد که در فاصله بین ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ نرخ سالانه رشد جمعیت در ایران از ۲/۷ درصد به ۳/۶ درصد رسیده است. البته، بخشی از این افزایش جمعیت در اثر مهاجرت از کشورهای همسایه به ایران بوده است. این افزایش جمعیت بیشتر مربوط به وقوع انقلاب و تغییر برنامه‌ها و سیاست‌های جمعیتی کشور است. این تغییر روند جمعیت فشار زیادی بر منابع طبیعی برای تهیه غذا، مسکن، پوشاک، امکانات آموزشی و تفریحی

رشد روز افزون جمعیت در اثر درمان بیماری‌های گوناگون و پیشرفت بهداشت جهان، به ویژه کشورهای فقیر و در حال توسعه، را با مشکلات بسیار زیادی مواجه کرده است. در حالی که استفاده از داروها و روش‌های درمانی جدید میزان مرگ و میر و بیماری‌ها را نسبت به گذشته بسیار کاهش داده است، افزایش جمعیت تناسبی با نسبت خانه سازی، اشتغال، و آموزش و پرورش در این کشورها ندارد.

ایران از کشورهایی است که روند افزایش جمعیت آن تا چند دهه پیش بسیار زیاد بوده و ایرانیان از پرزاد و ولدتیرین ملل دنیا بوده اند. رشد جمعیت ایران در فاصله سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۷۰ در حدود ۳/۴ درصد بوده که یکی از بالاترین نرخ‌های رشد جمعیت در تاریخ ایران و جهان می‌باشد، در حالی

زیرا بسیاری از مردم توان استفاده از آن‌ها را به علت فقر و یا جهل ندارند. علاوه بر آن فرهنگ، سنت و سیاستمداران در این کشورها افزایش جمعیت را تایید و تشویق می‌کنند، به ویژه این که در همه کشورهای اسلامی ازدیاد جمعیت تشویق می‌شود به این ترتیب ملت‌های مسلمان پرزاد و ولدترین ملت‌های جهان هستند. این افزایش سریع جمعیت بدون داشتن منابع مادی و معنوی مشکل بزرگی در این کشورها شده است و این کشورها با بحران‌های اجتماعی متعددی رو به رو بوده‌اند و خواهند بود. در صدر اسلام که جمعیت مسلمانان در برابر جمعیت نامسلمان بسیار کم بود و مسلمانان برای نبرد با کفار و فتح سرزمین‌های آن‌ها نیاز به سرباز داشتند و جنگ‌ها تن به تن بود و تعداد نفرات جنگنده عامل مهمی در پیروزی بود، مسلمانان نیاز داشتند که افزایش جمعیت را تشویق کنند، اما اکنون که تبلیغ دینی فقط با بحث و تبلیغ انجام می‌شود و نه با کشورگشایی و انتشار اندیشه و تبلیغ از رسانه‌های مختلف انجام می‌گیرد، افزایش جمعیت تأثیری در تبلیغ ندارد، بلکه آموزش و دانش اهمیت پیدا کرده است. علاوه بر آن، جنگ‌ها بر اساس اطلاعات و آگاهی از وضعیت دشمن و بر پایه تکنولوژی قرار دارد، نمونه آن جنگ‌های اسراییل و اعراب بود که با جمعیت کم و تکنولوژی و اطلاعات خوب بر جمعیتی که ده‌ها برابر خود بود، پیروزی یافت و جنگ آمریکا در عراق و افغانستان بود که با نیروی نظامی کمتری از قاره‌ای دیگر به این دو کشور آمد، نیروی نظامی آن‌ها را منهدم و هر دو کشور را فتح کرد.

هوا، آب، و نان سه عامل ضروری برای زنده

آورده به طوری که سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان عواقب ناخواسته این افزایش ناگهانی را دریافتند و به سرعت دوباره برنامه‌های تنظیم جمعیت را به اجرا درآوردند. این برنامه کاهش جمعیت بسیار موفقیت آمیز بود، به طوری که نرخ رشد سالیانه را که در سال ۱۳۶۵ برابر ۳/۲ درصد بود به ۱/۲ در صد در سال ۱۳۸۰ رسانید که یکی از پایین‌ترین نرخ‌های رشد در جهان است. یعنی میزان باروری زنان از ۵/۶ فرزند در سال ۱۳۶۴ به ۲ فرزند در سال ۱۳۷۹ رسید. در سال ۱۳۷۹، تعداد زنان مزدوج که از شیوه‌های ضدبارداری استفاده می‌کردند ۷۴ درصد بوده که بسیار بیشتر از ۳۶ درصد در سال ۱۳۵۶ می‌باشد. به علت افزایش سریع جمعیت ایران در دهه‌های اول انقلاب، متوسط سن در ایران بسیار پایین می‌باشد یعنی سن متوسط در ایران ۱۷/۲ سال است، در حالی که در کشورهای اروپایی مانند سوئد ۳۶/۳، فرانسه ۳۶/۵، و آلمان غربی ۳۶/۷ سال است.

تا پیش از این قرن، زاد و ولد بشر در کنترلش نبود و تولد هر کودک مانند زنده ماندن وی نتیجه شانس و تصادف محسوب می‌شد. با شناخت سلول‌های جنسی و ترکیب آن‌ها و آبستنی و رشد جنین در رحم، داروها و وسایل گوناگونی تهیه شد و انسان توانست به روش‌های کنترل جمعیت خود دسترسی پیدا کند. استفاده از این روش‌ها سبب ثابت ماندن جمعیت در بسیاری از کشورهای اروپایی و در نتیجه، جلوگیری از بسیاری از بحران‌های اقتصادی و اجتماعی شده است. در کشورهای در حال توسعه در حالی که همان روش‌ها و داروها در دسترس است، جمعیت به رشد فزاینده خود ادامه می‌دهد

ماندن انسان است. البته، می‌توان نان را با چیزهای دیگر جانشین کرد، اما هوا و آب را نمی‌توان. برای افزایش جمعیت دست کم این سه عامل مهم زندگی باید در مرحله اول موجود باشند. سپس آموزش و کار. آیا حداقل این امکانات در ایران وجود دارد؟ ایران کشور پهناوری است که بخش عظیمی از آن صحرا و کوهستان است، با اقلیم خشک و بارندگی کم. هوای همه شهرها و روستاهای ایران به علت وسایل نقلیه کهنه و فرسوده و کارخانه‌های گوناگون و کمبود فضای سبز، آلوده است. جنگل‌های ایران یا دارند می‌سوزند و یا تبدیل به ویلاهای لوکس می‌شوند. ایران گندم نیمی از جمعیت موجود در کشور را نمی‌تواند تولید کند و باید آن را از کشورهای غربی خریداری کند. جای خوشبختی است که کشورهای غربی گندم را در فهرست مواد تحریمی نگذاشته‌اند. (لازم به یادآوری است که خوشبختانه در مورد گندم، ایران به خودکفایی رسیده است که امیدواریم تداوم

داشته باشد.) به علت سیاست‌ها و برنامه ریزی‌های نادرست، چندین رودخانه و دریاچه و تالاب خشک شده و همه نهرها و روستاهای ایران با بحران کم آبی روبرو هستند.

تشویق به افزایش جمعیت در ایران سیاست درستی نیست. شنیده می‌شود که جمعیت ایران باید ۱۵۰ میلیون شود. ایران با ظرفیت اقتصادی و مدیریتی و وضع کشاورزی، توانایی سیر کردن جمعیت ۷۷ میلیونی کنونی را ندارد و متکی به وارد کردن مواد غذایی از خارج است. با ظرفیت کنونی و جمعیت ۱۵۰ میلیونی ایران بیشتر شبیه کشور پاکستان و افغانستان خواهد شد تا شبیه ترکیه و یا اسپانیا و یا یونان. برنامه ریزان و سیاستمداران باید هم‌چنان به کنترل جمعیت ایران ادامه دهند تا جمعیت کنونی ایران به نصف تعداد کنونی برسد. ملتی مسلمان و با دانش و آگاه و مرفه، که چنین ملتی حتماً قویتر و پایدارتر خواهد بود، نه ملتی پرجمعیت، بی‌دانش و فقیر.